



# اصول فقه ۲ (حلقه ثانیه)

سطح ۲

درس ۴۰

استاد: حجت الاسلام والمسلمین علم الهدی

آموزشیار: آقای علی اکبر دهقانی

## مقدمه

هر حاکمی به هنگام جعل حکم علاوه بر تصویر حکمی که قصد جعل آن را دارد، موضوع حکم خویش را با همه زوایا و شرایط در نظر می‌آورد و آنگاه حکم مورد نظر را برای آن جعل می‌کند. واضع نیز حاکمی است که هدف او از جعل، ایجاد رابطه میان لفظ و معناست. از این رو به مانند حاکم باید دو طرف جعل خود را تصور نماید. لفظ و معنا دو امری هستند که وضع متوقف بر تصور آنهاست. تصور معنا به چهار صورت مفروض است که در این درس به امکان و تحقق این صور می‌پردازیم.

## متن درس

[يشترط في كل وضع يباشره الواضع ان يتصور الواضع المعنى الذى يريد أن يضع اللفظ له لأن الوضع بمثابة الحكم على المعنى و اللفظ، و كل حاكم لا بد له من استحضار موضوع حكمه عند جعل ذلك الحكم ...]  
و هذا الشرط يتحقق في ثلاث حالات:

الأولى: ان يتصور الواضع معنى كلياً كالإنسان و يضع اللفظ بإزائه و يسمى بالوضع العام و الموضوع له العام.  
الثانية: ان يتصور الواضع معنى جزئياً كزيد و يضع اللفظ بإزائه و يسمى بالوضع الخاصّ و الموضوع له الخاصّ.  
الثالثة: ان يتصور الواضع عنواناً مشيراً إلى فرد و يضع اللفظ بإزاء الفرد الملحوظ من خلال ذلك العنوان المشير و يسمى بالوضع العام و الموضوع له الخاصّ.  
و هناك حالة رابعة لا يتوفر فيها الشرط المذكور و يطلق عليها اسم الوضع الخاصّ و الموضوع له العام و هى أن يتصور الفرد و يضع اللفظ لمعنى جامع، و هذا مستحيل؛ لأن الفرد و الخاصّ ليس عنواناً منطبقاً على ذلك المعنى الجامع ليكون مشيراً إليه، فالمعنى الجامع فى هذه الحالة لا يكون مستحضراً بنفسه و لا بعنوان مشيراً إليه و منطبق عليه.  
و مثال الحالة الأولى أسماء الأجناس، و مثال الحالة الثانية الأعلام الشخصية، و أما الحالة الثالثة فقد وقع الخلاف فى جعل الحروف مثلاً لها و سيأتى الكلام عن ذلك فى بحث مقبل إن شاء الله تعالى.

## تصور معنا، شرط لازم وضع

در درس گذشته بیان شد که واضع ناچار از تصور لفظ و معناست. تصور معنا و سپس وضع لفظ به ازای معنا به چهار صورت متصور است. این صور با توجه به تصویر اولیه‌ای که از معنا در ذهن حاضر می‌شود و به آن «وضع» اطلاق می‌شود و نیز معنایی که در نهایت، لفظ برای آن وضع می‌شود و به آن «موضوع‌له» اطلاق می‌شود، شکل گرفته است. توضیح بیشتر این‌که واضع به هنگام وضع معنایی در ذهن احضار می‌کند. این معنای اولیه با نام «وضع» در تقسیم مزبور شناخته می‌شود. و معنایی که ممکن است مطابق معنای اولی یا متفاوت با آن باشد و در نهایت لفظ برای آن قرار داده می‌شود با نام «موضوع‌له» در تقسیم مزبور شناخته می‌شود.

معنای متصور (وضع) و معنای موضوع‌له از حیث کلیت و جزئیت چهار حالت پیدا می‌کند. گاهی معنای متصور کلی است و لفظ نیز برای همان معنای کلی وضع می‌شود. به این حالت «وضع عام و موضوع‌له عام» گفته می‌شود و گاهی معنای متصور جزئی است و لفظ به ازای همان معنای جزئی جعل می‌گردد. از این حالت با نام «وضع خاص و موضوع‌له خاص» یاد می‌شود. و ممکن است تصور اولیه و نهایی معنا در کلیت و جزئیت موافق نباشند، بلکه معنای متصور کلی و موضوع‌له جزئی باشد یا این‌که معنای متصور جزئی و معنایی که لفظ برای آن وضع می‌شود، کلی باشد. به حالت اول «وضع عام و موضوع‌له خاص» و به حالت دوم «وضع خاص و موضوع‌له عام» اطلاق می‌شود.

از این چهار صورت، امکان و تحقق خارجی صورت اول و دوم اتفاقی و محرز است. اسماء اجناس از صورت اول هستند؛ زیرا واضع ابتدا معنای عامی مثل انسان را تصور می‌کند و سپس لفظ انسان را برای همان معنای عام جعل می‌کند. در ادامه به بیان صورت سوم و چهارم می‌پردازیم.

### تطبیق

و هذا الشرط یتحقق فی ثلاث حالات:

الأولی: ان یتصور الواضع معنی کلیاً کالإنسان و یضع اللفظ بإزائه و یسمی بالوضع العام و الموضوع له العام. و این شرط (این‌که در وضع تصور معنا لازم است) در سه حالت محقق می‌شود: حالت اول: این‌که واضع معنایی کلی مثل انسان را تصور کند و لفظ را به ازای آن معنای کلی وضع کند. این وضع به «وضع عام و موضوع‌له عام» نامیده می‌شود.

## صورت دوم از صورت‌های چهارگانه وضع

صورت دوم جایی است که معنای متصور جزئی است و لفظ نیز برای همان معنای جزئی وضع می‌شود. از این صورت با نام «وضع خاص و موضوع‌له خاص» یاد می‌شود. وضع همه اعلام به این شکل است. واضع معنای جزئی زید را (مثلاً) تصور می‌کند و لفظ زید را برای همان معنا جعل می‌کند.

### تطبیق

الثانیة: ان یتصور الواضع معنی جزئياً کزید و یضع اللفظ بإزائه و یسمی بالوضع الخاص و الموضوع له الخاص.

حالت دوم: این که واضع معنایی جزئی مانند زید را تصور کند و لفظ را به ازای آن وضع کند. این وضع به «وضع خاص و موضوع له خاص» نامیده می شود.

Sc0۱ ۹:۱۴

### صورت سوم از صورت های چهارگانه وضع

تصور معنا و سپس جعل لفظ برای آن به چهار صورت مفروض است. در صورت اول و دوم، وضع و موضوع له در کلیت و جزئیت متحد بودند؛ ولی در صورت سوم و چهارم به این شکل نیست. وضع در صورت سوم عام و موضوع له خاص است.

واضع پس از آن که معنایی کلی را در ذهن حاضر می کند، لفظ را برای یکی از افراد آن معنای عام جعل می کند و در حقیقت با احضار یک عنوان کلی مشیر به افراد، فرد مورد نظر را ضمن این عنوان جامع در ذهن حاضر می کند و آنگاه لفظ را برای آن جعل می کند.

در امکان و تحقق خارجی صورت سوم میان بزرگان اصول اختلاف شده است. برخی نه تنها مصداقی در خارج برای آن محقق نمی دانند، بلکه آن را محال و غیرممکن می دانند. برخی دیگر گرچه معتقدند در خارج اتفاق نیفتاده است؛ اما آن را ممکن تلقی کرده اند. عده ای نیز علاوه بر اعتقاد به امکان آن، مدعیند وضع حروف به این صورت است. یعنی واضع به هنگام وضع لفظ «من» (مثلاً) معنای جامع و کلی ابتدائیت را تصور کرده است و آنگاه «من» را برای یکی از مصادیق و افراد ابتداء مثل ابتدایی که یک طرفش سیر و یک طرفش بصره است (سرت من البصره الی الکوفه) جعل کرده است.

### تطبیق

الثالثة<sup>۱</sup>: ان يتصور الواضع عنواناً مشيراً إلى فردة و يضع اللفظ بإزاء الفرد الملحوظ من خلال ذلك العنوان المشير و يسمي بالوضع العام و الموضوع له الخاص.

حالت سوم: این که واضع عنوانی که مشیر به فرد خود است را تصور کند و لفظ را به ازای فردی که از میان آن عنوان مشیر لحاظ شده است، وضع کند. این وضع به «وضع عام و موضوع له خاص» نامیده می شود.

### نکته

علت این که واضع در صورت سوم به جای آن که معنای جزئی را از همان ابتدا تصور کرده و لفظ را برای آن وضع نماید، معنایی کلی و جامع را تصور می کند و سپس لفظ را برای یکی از مصادیق آن جعل می کند، این است که در پاره ای از مواقع، تصور خود موضوع له ممکن نیست. از این رو واضع، ابتدا معنایی جامع و کلی که منطبق و شامل موضوع له است را تصور می کند و از این طریق موضوع را در ذهن احضار می کند و آنگاه لفظ را برای آن جعل می کند.

Sc0۲ ۱۴:۵۱

<sup>۱</sup> از حالات سه گانه احضار معنای موضوع له.

## صورت چهارم از صورت‌های چهارگانه وضع

واضع در عملیات وضع، ناچار از تصور معناست. برای معنایی که واضع تصور می‌کند و آنگاه لفظ را برای آن وضع می‌کند از لحاظ کلیت و جزئیت، چهار صورت تصور شده است. صورت چهارم جایی است که معنای متصور خاص و معنای موضوع‌له عام است. این صورت، فرضی بیش نبوده و نه تنها در خارج محقق نشده است، بلکه محال است؛ زیرا در حقیقت، معنایی که لفظ برای آن وضع می‌شود در این صورت، تصور نشده است؛ چراکه واضع تنها یک معنای خاص و جزئی را تصور کرده است و جزئی، عنوان منطبق و مشیر به عام نیست. بدین ترتیب وضع لفظ برای معنای کلی و جامع، وضع بدون تصور معناست و همان‌طور که بیان شد وضع بدون تصور معنا ممکن نیست. به همین سبب این صورت محال است.

نقطه تمایز این صورت با صورت سوم در همین نکته است که در صورت سوم معنای متصور، معنایی جامع و کلی است و جامع، عنوان مشیر و منطبق بر افراد است و به نحوی احضار آن، احضار فرد است. بدین ترتیب، وضع لفظ برای فرد جامع، وضع بدون تصور معنا نیست.

خلاصه این‌که در وضع، تصور نفس معنا با عنوانی که منطبق بر آن باشد لازم است و در صورت چهارم معنا به هیچ‌یک از دو نوع مذکور تصور نشده است؛ زیرا تصور فرد تصور جامع و منعکس کننده آن نیست.

### تطبیق

و هناك حالة رابعة لا يتوفر فيها الشرط المذكور و يطلق عليها اسم الوضع الخاصّ و الموضوع له العام و هي أن يتصور الفرد و يضع اللفظ لمعنى جامع، و هذا مستحيل؛

و این‌جا حالت چهارمی است که در آن شرط مذکور (تصور معنای موضوع‌له) موجود نمی‌شود و بر آن نام «وضع خاص و موضوع‌له عام» اطلاق می‌شود. و این حالت این‌که واضع فرد را تصور کند و لفظ را برای معنای جامع آن فرد وضع کند و این محال است.

لأن الفرد و الخاصّ ليس عنواناً منطبقاً على ذلك المعنى الجامع ليكون مشيراً إليه، فالمعنى الجامع فى هذه الحالة لا يكون مستحضراً بنفسه و لا بعنوان مشيراً إليه و منطبق عليه.

زیرا فرد و خاص، عنوانی نیست که بر معنای جامع خود منطبق شود، تا این فرد و خاص، عنوان مشیر به آن معنای جامع باشد. پس معنای جامع در این حالت، نه خود حاضر است و نه به عنوان مشیر به آن و منطبق بر آن.

### مثال صورت‌های چهارگانه

تصور معنا به چهار صورت فرض شد. صورت اول جایی است که وضع و موضوع‌له هر دو عام است و آن در همه اسماء اجناس است. مثلاً وقتی واضع می‌خواهد لفظ انسان را وضع کند، معنای کلی انسان را تصور می‌کند و لفظ انسان را برای همان معنای عام جعل می‌کند.

صورت دوم جایی است که وضع و موضوع‌له هر دو خاص است و آن در وضع اعلام شخصی است. مثلاً وقتی واضع می‌خواهد لفظ زید را وضع کند، زید را تصور کرده و لفظ زید را برای آن جعل می‌کند.

امکان و وقوع این دو صورت محرز و اتفاقی است؛ اما درباره صورت سوم یعنی وضع عام و موضوع له خاص اختلاف شده است و عده ای معتقدند وضع حروف از این نوع هستند و برخی مانند صاحب کفایه منکر آن شده اند. در حلقه ثالثه درباره صورت سوم بیشتر سخن خواهیم گفت.

<b>FG<sup>۱</sup></b>	(الف) وضع عام و موضوع له خاص.
} برای تصور معنا چهار حالت مفروض است	(ب) وضع خاص و موضوع له خاص.
	(ج) وضع عام و موضوع له خاص.
	(د) وضع خاص و موضوع له عام.

### تطبيق

و مثال الحالة الأولى ۱ أسماء الأجناس، و مثال الحالة الثانية ۲ الأعلام الشخصية، و أما الحالة الثالثة ۳ فقد وقع الخلاف في جعل الحروف مثلاً لها و سيأتي الكلام عن ذلك في بحث مقبل إن شاء الله تعالى.

مثال حالت اول، اسامی اجناس است و مثال حالت دوم، اعلام شخصی است و اما حالت سوم پس در قرار دادن حروف به عنوان مثال این قسم، اختلاف واقع شده است. و به زودی سخن از این اختلاف در بحث آتی می آید انشاء الله.

Sco<sup>۳</sup> ۲۴:۱۰

<sup>۱</sup> یعنی: وضع عام و موضوع له عام.

<sup>۲</sup> یعنی: وضع خاص و موضوع له خاص.

<sup>۳</sup> یعنی: وضع عام و موضوع له خاص.

## چکیده

۱. وضع متوقف بر تصور معناست. برای تصور معنا چهار حالت فرض شده است:  
 حالت اول: وضع عام و موضوع له عام؛ این حالت ممکن بوده و در خارج واقع شده است. مانند همه اسماء اجناس.  
 حالت دوم: وضع خاص و موضوع له خاص؛ این حالت نیز ممکن بوده و در خارج واقع شده است. مانند اعلام شخصی.  
 حالت سوم: وضع عام و موضوع له خاص؛ در امکان و تحقق این حالت اختلاف شده و برخی وضع حروف را از این حالت دانسته‌اند.  
 حالت چهارم: وضع خاص و موضوع له عام؛ این حالت غیرممکن است؛ زیرا معنای موضوع له در آن تصور نشده است و وضع بدون تصور معنا ممکن نیست.
۲. خاص توانایی انعکاس عام را ندارد؛ برخلاف عام که منطبق بر خاص بوده و حاکی از آن است.